

اخلاق علوی و لزوم رعایت آن

دکتر جلال جلالیزاده

نماینده مردم سنندج در مجلس شورای اسلامی

ما ایرانیان بویژه در چند سال اخیر به خوبی شناخته شده است و جای شگفتی نیست ولی مظلومیت گروهی که به اعتقاداتشان اهانت و ابراز پاسخگویی از آنان سلب شود بسی سنگین و دشوار است. البته در یک مناظره کلامی بدور از حق یا باطل بودن طرفین حداقل این نکته محرز می‌گردد که سخن نیکو پذیرفته و ما بقی رد و حذف گردد.

ولی اینجا نکته‌ی دیگری که لازم به ذکر است مظلومیت اهل بیت و چهره آنان را با این ادعای پیروی و تبعیت مخدوش نشان دادن است که هر فرد مسلمانی ملزم است با توضیح کافی و دلایل وافی غبار مظلومیت را از چهره آنان بزداید.

می‌توان چنین فتوایی را در بوته نقد کشید و با موازین خرد و دین و اخلاق سنجید و در آینه کلام ائمه آن را مشاهده کرد و با حب و دوستی در کنار هم قرار داد و انمه را قاضی قرار داد که آیا در مکتب آنان حب حاکم است یا لعن؟ بطور قطع، ائمه حب و محبت و رحمت را می‌پسندند تا لعنت را.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: هل الدین الا الحب و آقای مصباح می‌گویند لعنت.

اکنون به چند آیه از قرآن استناد می‌کنیم تا ثابت گردد که اسلام دین منطقی و استدلال و رحمت است نه لعن و نفرت و نزاع.

و ما ارسلناك الا رحمة للعالمین، ربنا اغفر لنا و لاخواننا الذین سبقونا بالايمان و لا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انك رؤوف رحیم.

محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بیتهم.

تلك امة قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم و لا تسئلون عما کانوا یفعلون.

آیات فوق همگی تأیید بر رحمت روزی و اشاعه شفقت، مهر و محبت و مودت در جامعه نیست به زندگانی و مردگان است بویژه کسانی که در گذشته‌اند و قدرت دفاع از خود را

در روزنامه نوروز مورخ ۸۰/۷/۲۹ چکیده‌ای از سخنان آقای مصباح یزدی در سومین گردهمایی سراسری دانشجویان جمعیت مؤتلفه اسلامی چاپ شده بود که ایشان در این سخنان برخی از برادران و خواهران شیعه را به باد انتقاد گرفته بود که گویا معتقدند در منازل نباید زیارت عاشورا را خواند و یا خلفای سه گانه را لعن کرد و سپس این افراد را باعث زوال و نابودی شیعه دانسته و آنان را عامل تفرقه نامیده و گفته است اینها اصول خود را در جهت وحدت زیر پای می‌گذارند و این وحدت که هدف درستی ندارد اصلاً ارزشمند نیست.

هر چند چنین سخنان وحدت شکنی مسبوق به سابقه است ولی در موقعیت خطیر فعلی و دستاویز قرار دادن چنین کلامی که می‌تواند زیانهای جبران ناپذیری را در پی داشته باشد بنده را بر آن داشت تا پاسخی در خور علاوه بر اشاره بر عواقب ناگوار و تهدیدآمیز این سخنان از نظر تاریخی و اخلاقی و مذهبی با استناد به آیات و احادیث و کلام ائمه به آن دهم و صحت و سقم این عمل را مورد تحلیل قرار دهم.

قبل از وارد شدن در حوزه بحث باید گفت: اولاً این گفتار قبل از هر چیز اهانت به برادران و خواهران شیعه است که سب و اهانت جزو اصول عقیده آنان شمرده شود.

ثانیاً: این سخنان تفرقه انگیز در زمانی است که بوش اعلام جنگ صلیبی می‌کند و مسلمین مظلوم افغانستان اعم از شیعه و سنی در زیر بمبارانها کشته می‌شوند و نسیم وحدت مسلمین در شرایط بحرانی فعلی و مبارزه با آمریکا و انگلیس در همه کشورهای اسلامی در حال وزیدن است و سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن انگلیسها کم رنگ تر شده است.

ثالثاً: مقارن با تشویق و ترویج لعن خلفای راشدین در منازل و محافل خصوصی، همایش مودت اهل بیت در قرآن کریم در شهر سنندج با حضور بسیاری از علمای اهل سنت برگزار می‌شود که نشان دهنده جایگاه اهل بیت در میان اهل سنت است.

البته چنین قرائتی از دین که مروج خشونت و لعن و نفرین دیگران اعم از مسلمان و غیر مسلمان و شیعه و سنی است برای

ندارند، علاوه بر این حتی در قرآن سب و نفرین بت پرستان و مشرکان را منع کرده است چه برسد به مسلمین و یاران رسول خدا ﷺ

اکنون سنت پیامبر ﷺ را بنگریم و ببینیم آیا در سیمای پاک و نورانی آن حضرت جایی برای درخواست طرد و نفرین و دوری از رحمت خدا برای انسانها وجود دارد و جایگاه لعن در سنت چیست؟ حتی در قرآن در چندین مورد به پیامبر دستور داده شده که برای مؤمنین آمرزش بخواه و در اوج بی مهری قومش بجای نفرین می فرماید: اللهم اغفر لقومی فانهم لا یعلمون یا می فرماید: اللهم حسن خلقی و خلقی. اللهم جنبنی منکرات الاخلاق. من کان یؤمن بالله و الیوم الاخر فلیقل خیراً او لیصمت.

ایاکم و الفحش فان الله تعالی لایحب الفحش و لا تفحش لیس المؤمن بالطعان و لا اللعان و لا الفحاش و لا البذی، سباب المسلم فسوق و قتاله کفر، من حسن اسلام المرء ترکه ما لا ینعیه.

آیا با این همه تأکید بر رعایت فضایل اخلاقی و متخلق شدن به اخلاق نبوی و علوی دلیلی بر تشویق و تأکید بر لعن گذشتگان این امت می ماند، آیا چنین کاری جز تزییع وقت فایده ای دارد؟ آیا سکوت بهتر است یا چنین کلامی را بر زبان آوردن، مسلماً بهترین سرمایه انسان اوقات عمر اوست هرگاه آن را در کارهای بی ربط و بی فایده صرف کند و هیچ خیر و ثوابی برای آخرت خود ذخیره نکند، قطعاً سرمایه خود را به هدر داده است.

اکنون از نهج البلاغه مثالهایی را در جهت تنویر افکار ذکر می کنیم تا ثابت شود که در بین دو اخلاق چقدر تفاوت است.

در خطبه ۲۰۶ می فرماید: چون شنید که گروهی از یاران او شامیان را در جنگ صفین دشنام می گویند: من خوش ندارم شما دشنام گو باشید. لیکن اگر کرده های آنان را بازگوئید و حالشان را فرا یاد آورید به صواب نزدیکتر بود و در عذر خواهی رساتر و به جای دشنام بگوئید: خدایا ما و آنان را از کشته شدن برهان و میان ما و ایشان سازش قرار گردان و از گمراهی شان به راه راست برسان تا آنکه حق را نمی دانست، بشناسد و آن که برای دشمنی می رود و بدان آزمند است، بایستد (ص ۲۴۰ - شهیدی)

هنگامی که حضرت علی در بحبوحه جنگ سب دشمنانش را جایز نمی شمارد چگونه برای کسی که مدعی پیروی ایشان است چنین عملی در هنگام صلح جایز است؟ حضرت علی به

جای آموزش لعن ذکر و عبادت را توصیه می کند در خطبه ۲۲۲ ص ۲۵۵ می نویسد: همانا خدای سبحان یاد خود را روشنی بخش دلها کرد تا از آن پس که ناشنایند بدان یاد بشنوند و از آن پس که نایبنایند بینا شوند.

بجاست پاسخ یکی از علمای معاصر شیعه یعنی علامه فضل الله را در این مورد بیاوریم که از ایشان درباره سب صحابه می پرسند که آیا جایز است یا خیر؟

وقتی ما سخنان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب را می خوانیم که از سب و اهانت متنفز و خطبه ۲۰۶ را ذکر می کند. و وقتی که ما به اخلاق قرآن مراجعه می کنیم و می بینیم که قرآن حتی از سب بت پرستان نهی کرده است. و لا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدواً بغیر علم و كذلك زینا لكل امة عملهم^(۱)

بنابر این سب و اهانت هیچ مشکلی را حل نمی کند و ما معتقدیم سب اسلوب خوبی برای بیان آنچه که معتقدیم نیست، ما معتقدیم علی ﷺ سزاوار به خلافت است ولی این چیزی است و سب چیز دیگر^(۲)

این منطق حضرت علی و پیروان صدیق اوست، من وارد مباحث اختلافی نخواهم شد همچنانکه علامه فضل الله گفته اند حقانیت بحث دیگری است. ولی بهر حال صحابه ای پیامبر بنیانگذاران اولیه تمدن اسلامی و امانتداران شریعت اسلامی بوده اند و تاریخ و سنت بر آن گواه است و اشاعه بدگویی و اهانت به ضرر اشخاص نسبت به بلکه باگذشت زمان مانعی در مقابل فهم حقیقی اسلام برای نسلهای آینده و بدبین کردن آنان نسبت به گذشته و تاریخ اسلام است.

مصاحبت با پیامبر اکسیری است که انسان در خلال لحظه ای واحد به مقامی می رسد که اهل عرفان سالها نمی رسند. اعرابی بیابانگردی که دخترش را زنده به گور می کند در سایه مصاحبت یک ساعت با پیامبر از لگنه مال کردن مورچه ای احتیاط می کند.

افرادی که بعد از یک روز حضور در مجلس درس پیامبر ﷺ به عنوان معلم و راهنما برای راهنمایی اقوام متمدن به چین و هندوستان رهسپار می شوند، صحابه شاهد انقلاب اسلامی عظیمی بوده اند که چهره خیر و حق را ظاهر و باطلها را هم نمایان کرده است و این که افراد ملتزم به خیر و حق در گرد باطل بگردند به حدی ناممکن بوده که مانند جمع صدق و

مادر امام جعفر فاطمه بنت قاسم پسر ابوبکر صدیق و مادر فاطمه أسماء دختر عبدالرحمن بن ابی بکر صدیق و صدیق جد بزرگ جعفر صادق است و امام صادق علیه السلام گفته است: «أولدنی الصدیق مرتین» آیا امام جعفر صادق جد خود را لعن می‌کند و تا پیروان خود را به این فرمان می‌دهد. آیا عاقلانه است که او به جدش افتخار کند و پیروانش او را لعن کنند یا بر عکس؟ آیا اگر همه کتب اهل سنت را مرور کنید آیا کوچکترین جسارتی به یکی از ائمه جز محبت و مدح می‌بینید از عبدالرحمن جامی بشنویم که چگونه حضرت علی و اوصاف او را می‌ستاید:

دَعْوَى عَشْقٍ وَ تَوَلَامِكُنَاى سِيرَتِ تَو
بَغْضِ اِرْبَابِ دَلْ اَز بَسِي خَرْدِي وَ دَغْلِي
مَشْكُ بَر جَامِه زدن سَوَد نَدَارْد چندان
از شَه نَحْل چَه حَاصِل زَلْبَاس عَسَلِي
چُون تَرَا چَاشَنِي شَهْد مَحَبْت نَرَسِيد
از شَه نَحْل چَه حَاصِل زَلْبَاس عَسَلِي
جَامِي اَز قَافِلَه سَالار رَه عَشْق تَرَا
گَر بَرَسَنْد كَه اَن كَيْسْتِ عَالِي گَوِي وَ عَالِي
در اين بيت به كسانيكه مدعي طرفداري از آن شخصيت بزرگ
هستند مي‌گويد تا كينه در دل شما باشد نمي‌توانيد به دوستي
علي مباحث كنيد زيرا علي نسبت به دشمنانش هم كنيه نداشته
است. (خلفای راشدین در نظم و نثر فارسی ص: ۷۵)

امید است همه کسانی که دلشان برای اقتدار و امنیت ملی می‌تپد و به عزت و استقلال ایران می‌اندیشند و خطر را در نزدیکی احساس می‌کنند، احساس مسؤولیت نموده و نگذارند بیش از این مسلمین نسبت به یکدیگر بدبین شده و از فتنه و تفرقه‌انگیزی جلوگیری نمایند.

بشنویم ابوبکر صدیق خطاب به دشنام دهندگان خود چه می‌گویند: (امید است آقای مصباح اندکی درباره‌ی آن تأمل نمایند) یکی ابوبکر صدیق علیه السلام را دشنام داد گفت: آنچه از ما بر تو پوشیده است بیشتر است.

در پایان کلامی از امام خمینی (ره) ذکر می‌کنم که می‌گوید: کسانی که در بین شیعه و سنی تفرقه می‌اندازند نه شیعه هستند و نه سنی. این بود مقایسه‌ای در میان دو اخلاق، خوانندگان خود قضاوت کنند.



کذب و ایمان و کفر بوده است. مصاحبت با پیامبر چنان مقامی را به انسان می‌بخشد که با هیچ وسیله‌ای دیگری نایل شدن به آن ممکن نیست، داستانهای زیادی در این مورد نقل شده است که می‌توان برخی از آنها را در داستان راستان شهید مطهری یافت.

از سوی دیگر هنگامی که جایگاه حضرت علی و خانواده پیامبر را در میان صحابه مورد ارزیابی قرار می‌دهیم جز محبت، احترام و تکریم نمی‌بینیم.

ابن کثیر در البدایة و النهایة ج: ۸ ص: ۳۶ می‌نویسد: خلفای راشدین و دیگر یاران رسول اکرم که محبتها و عنایات حضرت رسول صلی الله علیه و آله را به حضرت امام حسن علیه السلام دیده بودند و ارشادات عالیه پیامبرگرامی را در حق او شنیده بودند در تمام عمر نسبت به او و برادرش حضرت حسن محبت فراوان داشتند و او را از جان و دل دوست می‌داشتند و در توقیر و احترام و قدردانی وی کمال عنایت را ملحوظ می‌داشتند.

حضرت عمر بن خطاب حقوق ماهیانه امام حسن و امام حسین را در ردیف اصحاب بدر قرار داد.

خلیفه سوم نیز نسبت به آنان احترام کامل داشت و در هنگام محاصره، امام حسن علیه السلام نزد خلیفه می‌رود و از او می‌خواهد که اجازه دهد تا با شورشیان بجنگد و خلیفه به او می‌گوید: یا ابن اخی ارجع و اجلس فی بیتک حتی یاتی الله بامرہ فلاحاجة لنا فی اهراق الدماء (۱)

و یا اگر حضرت علی سب و اهانت خلفا را روا می‌داشتند چگونه ام کلثوم را به عقد عمر بن خطاب در می‌آوردند؟ در کشف المحجوب هجویری چنین آمده است: و اندر خبر است که عمر بن خطاب علیه السلام ام کلثوم دختر فاطمه بنت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله را خطبه کرد از پدرش علی رضی الله عنہم اجمعین، علی گفت: او بس خردست و تو مردی پیری، و مرا نیت است که به برادرزاده خودم دهم عبدالله بن جعفر علیه السلام عمر پیغام فرستاد یا اباالحسن اندر جهان زنان بسیارند بزرگ و مراد من از ام کلثوم اثابت نسل نه دفع شهوت لقلوله (عم) کل سبب و نسب یتقطع الا سببی و نسبی، کنون مرا سبب هست بایدم تا نسب نیز با آن یار باشد تا هر دو طرف به متابعت وی محکم گردانیده باشم. علی علیه السلام وی را به او داد و زید بن خمر از وی بیامد. (ص: ۴۷۱) و یا در میان شهیدان کربلا چند نفر ابوبکر و عمر نام یافت می‌شوند!؟

صرف نظر از مطالب مذکور آیا کسی که پیرو و محب امام جعفر صادق علیه السلام باشد اهانت به نیاکان او را جایز می‌داند؟